

علیرضا پور امید

پوزشم ، قطره لطف تو ، دریاست
نگه تو ، فراتر از اینهاست
بخشش ، از تو خطا و خبط ، از من
شکل هر کس ، ز شیوه اش زیباست



شاعر: نسرین محمدی
مترجم: محمود شیربازو

در جنگل ساکت و غم زده
با باران نگاهت بیاشوبیم
تا شاید شاخه‌ی خشکیده
در انتظار بهار
شوق رُستن
داشته باشد

In a sad and silent forest
Let me fight with rain of your look
Maybe the dried and dead branches
bloom again in spring !



شاعر: رویا سامانی
مترجم: محمود شیربازو

بهار ..
عاشق باران بود
تا خدا دستهایش را می شست
رنگ به رنگ
پیراهن عوض می کرد

The spring fell in love
With the rain !
When the God was busy washing his hands
The nature started wearing colourful shirts !



شاعر: حسین فیض الهی (کاشف شوشتری)
مترجم: محمود شیربازو

A:
امید آنکه خاک گردهم خاک کوی دوست
تا کوزه گر نمایم روزی سبوی دوست
Hope my body became the soil of my beloved land
Perhaps one day there'll be a potter to make a glass of
wine from my soil
&&&&
B:
سینه ام را می فشارد اشتیاق دیدنش
بر نمی تابد دلم دیگر سخن با چاه را
TO see him eagerly will squeeze my chest !!
My heart no longer can speak to the fountain of my
beloved !



محمود شیربازو

تا تو چشمک می زنی
تونل چشمانم چراغان
بوی بهاران نمایان
باغ میزگان خرامان میشود
جان بر جهانم می شکفت
گل برشانه هایم می خندد
لبهایم بر لبهایت می رقصند
موسیقی عشق آغاز و
تار گیسویت بر تنم
نغمه ها چنگ میزند
قندیل شوق
کم کمک ، نم نمک آب
ترنم باران ساز می شود
آغوشم در هرم آغوش
جان می گیرد ، جوانه می زند
نوروز نو تر ، هفت شهر عشق
هفت سین تر می شود
پیله ی دل می شکفت
هوا پر از پروانه می شود
من ؛ تو ، ما
پر پرواز می شویم



مهدی عطار زاده

بهار می رسد از راه و سبزه می آرد
امید به دل های نا امید می کارد
در ختها که به ظاهر خشک و بی برگند
بر شاخسارشان برگ نو رسیده می آرد
به شاخسار دوباره سبز گردیده
شکوفه های گل در هم تنیده می آرد
به دشت و کوه و بیابان که لاله روییده
غزال و آهو و خرگوش آرمیده می آرد
به لطف ایزد منان، نو بهار بر ما
ز ابر، نرم نرمک، قصیده می بارد
زبان الکن من باز برقص خواهد خاست
غزل به بهای دلش خریده، می آید
بروی شاخه سر سبز و بوتنه هر گل
هزار، با نغمه و غزل، پدیده می آرد



بانوان عزیز ، فرد به فرد
جمله جمعند در دیار طلوع

مثل زیبا و مریم و شهناز
همه در شعر و شور و کار طلوع

همچو الهام و نازنین، فرناز
گل یاس ند در حصار طلوع

یا چو رویا و راضیه، سارا
شمس ناب طلا، عیار طلوع

مثل میترا و مهری و ناهید
آتش شعر در شرار طلوع

چون سمیرا و مریم و شیرین
حجبشان موجب وقار طلوع

آه... کیهان عشق، ژولیده..
نور او لیل و هم نهار طلوع

شیربازو چو شیر بیشه عشق
سایه اش مستدام، یار طلوع

عذر خواهیم، اگر که نامی نیست
از دحامی ست در قطار طلوع

این بداهه نموده ام تقدیم
محضر ایل و هم تبار طلوع

شاد باشید و شاعر و خوشبخت
تا ابد زیر سایه سار طلوع



حسین دلجو

گذر افتاده در گذار طلوع
دل من گشته بیقرار طلوع

سر زده سر کشیدم و دیدم
یاس روییده در بهار طلوع

شیربازو ست باغبان گلها و
مابقی بلبل «هزار» طلوع

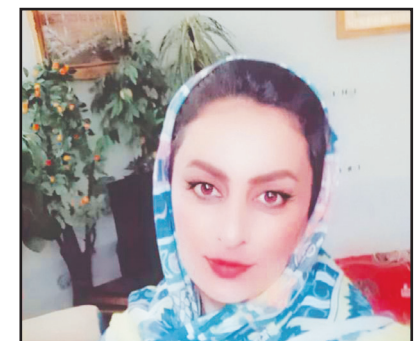
چه طلوعی که میشود آرام
دلماں روز و شب کنار طلوع

شاعران عزیز همچو قمر...
چرخ دارند در مدار طلوع

بغلانی و زارع و اسدی
همه هستند در شمار طلوع

هست اشعار ناب غفاری
خط چشم و دل نگار طلوع

ناصری، زاهدی و داوودی
سیب سرخ و گل انار طلوع



اکرم باز قندی «رز»

کوچه ها جار میزنند
آمدنت را
گویا زمان
از حرکت ایستاده است
در آخرین روزهای
سرد زمستان
آسمان زاویه ی دید را
تغییر داده
و هر لحظه
فریاد میزند بهار را
در کوچه های خلوت شب
که پر از ماه شده اند

منتظر داستان و اشعار شما هستیم
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید.
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی شود.
toloudaily@gmail.com
کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: محمود شیربازو